

کارگاه صفحه آرایبی: جلسه چهارم تئوری

ندا ابراهیمی بسطامی/گروه گرافیک

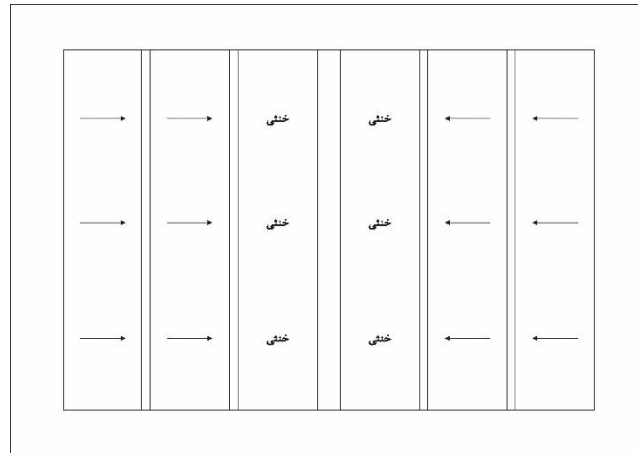
## زاویه دید عکس



شکل 1/4

اگر شخصی به چاقو نگاه کند، حرکت چشم همیشه از دسته به طرف تیغه است و اگر به قاشق بنگرد، حرکت چشم از دسته به طرف قسمت گود قاشق است و چنانچه به خودکار یا خود نویس یا نوشت افزار مشابهی نگاه کند، همیشه حرکت از قسمت انتها به طرف نوک آن است. در شکل های تجربیدی نیز همین پدیده دیده می شود: اگر دایره ای کوچک نزدیک دایره ای بزرگ قرار داده شده باشد و هر دو توسط ناظری مشاهده شوند، نخست دایره بزرگ دیده می شود و سپس نگاه ناظر به طرف دایره کوچک تر می رود و... در مورد چهره انسان، حرکت چشم از پشت سر به طرف دهان و بینی در جلوی سر ادامه می یابد. منظور از زاویه دید، این است که حرکت و جهت مشخص می کند وقتی چشم انسان شئی خاص یا تصویر آن را مشاهده می کند، نخست به کدام قسمت منعطف می شود و سپس در چه جهتی حرکت می کند. اگر در مثال چهره انسان، کاملاً از مقابل به ناظر نگاه کند، تصویر حرکتی ندارد و از این لحاظ خنثی است؛ و همین طور اتومبیل و چرخ دستی از روبه رو یا حیوانی که از جهت مقابل به آن نگاه شود.

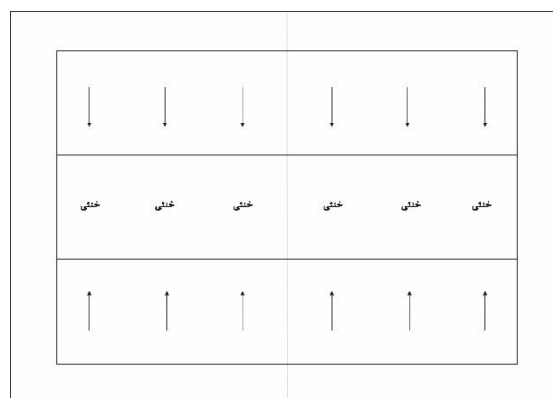
## زاویه دید عکس در مجله



شکل 2/4

در صفحه آرایبی مجله، و به طور کلی صفحه آرایبی، برای قرار دادن عکس ها در محل مناسب صفحه آرا باید زاویه دید یا جهت نگاه در عکس را در نظر بگیرد. جهت نگاه چهره روی جلد مجلات معمولاً نباید به طرف عطف باشد بلکه باید به سمت تورق مجله نگاه کند، یعنی یک چهره نیمرخ روی جلد مجله باید به گونه ای قرار گیرد که قسمت گرد پشت سر در طرف عطف و قسمت بینی که جلوی سر است، به طرف تورق مجله باشد. در تصویر بالا محل مناسب قرارگیری عکس ها با جهت های مختلف را در دو صفحه مقابل هم نشان می دهد که در آن جهت راست به چپ و چپ به راست مشخص شده است.

ردیف اول از طرف برش مخالف عطف برای عکس های نیمرخ مناسب است و در ردیف پس از آن برای عکس های سه رخ و قسمت مجاور عطف مناسب عکس های ختشی است. بدیهی است که این قاعده و قانونی بیار خشک و مطلق در مورد استقرار عکس ها در دو صفحه مقابل یکدیگر نیست،



شکل 3/4

ولی در حد امکان در مواقعی که عامل دیگری در تصمیم‌گیری دخالت ندارد، بهتر است این قاعده رعایت شود. در موارد متعددی همین مفهوم به طور غریزی رعایت می‌شود.

شکل بالا همان دو صفحه مقابل هم هست که محل استقرار تصاویری را نشان می‌دهد که جهت آن‌ها از پایین به بالاست، مانند کوه یا سقف خانه شیروانی یا انسانی که به بالا نگاه می‌کند؛ و همین طور جای قرارگیری تصاویری که از لحاظ جهت بالا و پایین ختی محسوب می‌شوند یا تصاویری که جهت آن‌ها از بالا به پایین است، مانند انسانی که به طرف پایین نگاه می‌کند.

در واقع، دو تصویر بالا باید در ذهن روی هم منطبق شود تا چگونگی استقرار عکس‌ها در دو صفحه مقابل هم مشخص باشد. در بسیاری از تصاویر، یک حرکت شاخص و چشمگیر ممکن است وجود نداشته باشد، بلکه مجموعه‌ای از حرکت‌های مختلف و بعضاً متضاد دیده شود. در این گونه تصاویر، بر ایند نیروهای موجود در تصویر را باید در نظر گرفت و عکس را در محل مناسب خود در صفحه قرار داد.

صفحه‌آرا این بر ایند را کاملاً به صورت حسی و تجربی تشخیص می‌دهد و عامل رنگ هم البته در آن بی‌تاثیر نیست. در واقع، عناصر چشمگیر هر عکس، چه از لحاظ تاثیرات رنگی و چه از لحاظ اندازه و شکل، تکلیف جهت عکس را مشخص می‌کنند و بر ایند حسی آن‌ها جهت کلی عکس می‌شود. شکل‌های بزرگ‌تر در تصویر برای معین کردن جهت تصویر اهمیت بیشتری دارند و نیز شکل‌هایی در تصویر که رنگ آن‌ها توجه را بیشتر جلب می‌کند؛ مانند قرمز به ویژه وقتی در کنار رنگ‌های سرد قرار می‌گیرد.

پیش از این، تاکید کردیم که در دو صفحه روبروی هم در مجله، جهت عکس‌ها باید به طرف عطف مجله باشد و هر چه فاصله از عطف بیشتر شود، بر این تاکید می‌شود و عکس‌ها نزدیک عطف ممکن است ختی باشند. دو صفحه مجاور یکدیگر که در مجله یکجا و با یکدیگر به چشم ناظر می‌آید، حکم یک تابلوی واحد را دارد و می‌توان با عواملی مانند تصویر یا تیتیری که قسمتی از آن در صفحه سمت راست و قسمت دیگر در صفحه سمت چپ باشد، رنگ زمینه صفحات، کادرها و نوارهای کمکی، تقسیم فضاهای خالی، ریز نقش‌ها، و ترکیبی از این عوامل دو صفحه را بیشتر به یکدیگر مربوط کرد.

جهت عکس نیز، علاوه بر این عوامل، می‌تواند به ارتباط دو صفحه کمک کند و نشان دهد که دو صفحه، در مجموع، یک تابلوی تجسمی را ارائه کرده‌اند. شکل‌های  $2/4$  و  $3/4$  نشان می‌دهند

که در صفحه آرایبی مجلات، اگر تصویری جهت حرکت راست به چپ دارد یا به سمت چپ نگاه می کند، بهتر آن است که در صفحه آرایبی در طرف راست دو صفحه مقابل یکدیگر قرار گیرد و اگر تصویری جهت حرکت چپ به راست دارد یا به سمت راست نگاه می کند، برعکس حالت قبلی، ارجح است که در صفحه آرایبی در طرف چپ دو صفحه مقابل واقع شود و تقسیم کردن هر صفحه به سه بخش فقط برای بیان منظور است و صفحه را به چهار یا پنج قسمت نیز می توان تقسیم و همین قاعده را رعایت کرد.

تصویری که جهت حرکت در آن از بالا به پایین است یا پایین را نگاه می کند، بهتر است در قسمت های بالای صفحه قرار گیرد و برعکس آن، تصاویری که جهت حرکت در آن ها پایین به بالاست یا بالا را نگاه می کنند بهتر است که در قسمت های پایینی صفحه واقع شوند. عکس های ورزشی و عکس هایی را که پرش و اوج گرفتن در آن ها دیده می شود باید در پایین صفحه قرار داد تا سقف پرش محدود نشود و چشم خواننده بتواند ادامه پرش را تعقیب کند. مناسب ترین محل تصاویر خنثی در اطراف عطف است، ولی در هر جای دیگر دو صفحه مقابل هم که قرار گیرند نیز لطمه ای به ترکیب بصری دو صفحه نمی زنند.